گزارش

توپ طلا؛ تئوری توطئه یا واقعیت؟

فرانس فوتبال، ایتالیایی‌ها را دوست ندارد

اعلام نامزدهای توپ طلای فرانس فوتبال این پتانسیل را دارد که هر هواداری را به یک سمت توهم توطئه و نظریه‌پردازی درباره یک دسیسه هل بدهد و معمولاً کوهی از سؤالات بی‌پاسخ را در ذهن آنها باقی می‌گذارد. سؤالاتی نظیر اینکه این گروه بی‌نام و نشان کارشناسان فرانس فوتبال که لیست نامزدهای توپ طلا را انتخاب می‌کنند چه کسانی هستند؟ آیا واقعاً توپ طلا و تشریفات آن چیزی بیش از یک مسابقه از پیش تعیین شده برای سنجش میزان محبوبیت بازیکنان است؟ چرا دروازه‌بان‌ها و مدافعان همیشه خارج از نامزدهای نهایی کسب توپ طلا قرار می‌گیرند؟ بعد از طرح این سؤالات هم کلی بحث در فضای مجازی شکل می‌گیرد؛ ترول‌ها از غارهایشان بیرون می‌آیند و زمانی که همه چیزها گفته و انجام شد، معمولاً لیونل مسی یا کریستیانو رونالدو توپ طلا را روی دستان‌شان بالا می‌برند.

از سال ۱۹۵۶ که توپ طلا برای اولین بار اهدا شد، تا به امروز تنها ۵ ایتالیایی موفق به کسب این جایزه شده‌اند: عمر سیووری که هم برای آتزوری و هم برای آرژانتین بازی کرد در سال ۱۹۶۱، جانی ریورا در سال ۱۹۶۹، پائولو روسی در سال ۱۹۸۲، روبرتو باجو در سال ۱۹۹۳ و فابیو کاناوارو در سال ۲۰۰۶. با این حال امسال احتمال زیادی وجود دارد که جورجینیو هم به این لیست اضافه شود چرا که سالی فوق‌العاده را با چلسی و تیم ملی ایتالیا پشت سر گذاشت و با اولی قهرمان لیگ قهرمانان اروپا شد و با دومی فاتح یورو ۲۰۲۰. ۴ تن دیگر از اعضای تیم ملی ایتالیا نیز در فهرست ۳۰ نفره نامزدهای توپ طلا قرار گرفتند. جان لوئیجی دوناروما، دروازه‌بان پاری سن‌ژرمن که خیلی‌ها او را بهترین دروازه‌بان حال حاضر دنیا می‌دانند، زوج پابه سن گذاشته اما تمام نشدنی لئوناردو بونوچی و جورجو کیه‌لینی از یوونتوس و هافبک جوان اما خوش تکنیک اینتر، نیکولو بارلا.

در این فهرست ۳۰ نفره تنها دو بازیکن دیگر از سری A دیده می‌شود. سیمون کیائر مدافع دانمارکی میلان و لائوتارو مارتینس مهاجم آرژانتینی اینتر. درباره این لیست سؤالات فراوانی شکل گرفته است و نام‌هایی قابل پیش‌بینی زیادی دیده می‌شوند.

حذف عجیب نام فدریکو کیه‌زا، بال یوونتوس، مثل ستاره ناپولی لورنزو اینسینیه و مارکو وراتی از پاری سن‌ژرمن، نشانگر این است که همچنان یک نوع جانبداری مزمن در فرآیند انتخاب نامزدها وجود دارد. این واقعیت وقتی با باور ذهنی اکثر تیفوسی‌های فوتبال ایتالیا - که قویاً معتقدند تیم‌های سری A در فصول گذشته رقابت‌های اروپایی مانند لیگ قهرمانان و لیگ اروپا به طرز مشکوکی همواره قربانی تصمیمات اشتباه داور شده‌اند - عجین شود، آن وقت فرضیه‌پردازی‌هایی که درباره دلیل قرار نگرفتن بازیکنانی مانند کیه‌زا، اینسینیه و وراتی در فهرست ۳۰ نفره توپ طلا صورت می‌گیرد را قابل درک می‌کند.

معیاری که برای انتخاب نامزدهای توپ طلا در نظر گرفته می‌شود مشخص نیست اما شکی نیست که در این فهرست حداقل طی یک دهه گذشته همواره مهاجمان و اغلب از لالیگای اسپانیا و بازیکنان شاغل در لیگ برتر انگلیس شانس بیشتری برای کسب این جایزه داشته‌اند. با این حال نبود نام کیه‌زا در این لیست واقعاً عجیب است به خصوص با در نظر گرفتن عملکرد استثنایی او در تیم ملی ایتالیا در یورو ۲۰۲۰. گل‌های این بازیکن ۲۳ ساله مقابل اتریش و اسپانیا، جزو مهم‌ترین بخش از مسیر صعود ایتالیا به فینال بود. سرعت، سبک بازی مستقیم و توانایی‌اش برای دریبل زنی او را به بازیکنی متمایز در ترکیب ایتالیا تبدیل کرده است. این موضوع درباره لورنزو اینسینیه هم صدق می‌کند. گل او به بلژیک در مرحله نیمه نهایی یکی از زیباترین گل‌های جام بود اما تنها گوشه‌ای از تأثیرگذاری هافبک بازیساز ناپولی در قهرمانی آتزوری بود. در مورد وراتی شاید بتوان گفت که ناکامی او با پاری سن‌ژرمن روی نظر کارشناسان تأثیر منفی گذاشته اما نباید فراموش کرد که او هم جزو مهره‌های تأثیرگذار مانچینی در یورو ۲۰۲۰ بود.

در نهایت اینکه اگرچه جورجینیو می‌تواند برنده‌ای شایسته برای توپ طلا باشد اما هنوز هم معلوم نیست که چرا تنها ۵ نفر از اعضای تیمی که مهم‌ترین تورنمنت فوتبال اروپا را فتح کرد و تنها ۲ بازیکن دیگر از سری A در فهرست ۳۰ نفره قرار گرفته‌اند؟

منبع: فوتبال ایتالیا

با وجود عملکرد درخشان دشان، انریکه، مانچینی و مارتینس

چرا پولدارها، مربیان ملی را دوست ندارند؟

یادداشت
مارک آگدن

دیدیه دشان هفتمین قهرمانی بزرگ دوران مربیگری خود را کسب کرد و با فرانسه در لیگ ملت‌های اروپا به رده نخست رسید. آنها در فینال اسپانیا را با نتیجه دو بریک شکست دادند و مربی سابق موناکو، یوونتوس و مارسی نگذاشت لوییس انریکه به نهمین جام خود برسد.

روبرتو مانچینی، مربی ایتالیا هم ۱۱ جام دارد، از جمله قهرمانی در یورو ۲۰۲۰. روبرتو مارتینس هم در سه سال گذشته، بلژیک را در صدر رده‌بندی فیفا نگه داشته و البته با ویگان در سال ۲۰۱۳ قهرمان جام حذفی انگلیس شد. به این ترتیب می‌توان گفت که دیدارهای مرحله نهایی لیگ ملت‌های اروپا، نبرد برخی از بهترین مربیان دنیا و البته بازیکنان برجسته بود.

با این حال، وقتی کارشناسان ده نامزد مربیگری نیوکاسل را لیست کرده‌اند (البته استیو بروس هنوز مربی این تیم است)، مارتینس تنها فردی از این چهار نفر است که در لیست حضور دارد و تازه او ضعیف‌ترین شانس را در بین این چهار مربی دارد.

اوله گونار سولشر در منچستر یونایتد هم حمایت خانواده گلیزر، مالکان باشگاه را داراست. با این حال، او هنوز نتوانسته خیلی‌ها را مجاب کند که می‌تواند یونایتد را دوباره تبدیل به تیمی قهرمان کند. لوییس انریکه در سال ۲۰۱۵ بارسلونا را به سه‌گانه لالیگا، جام حذفی و لیگ قهرمانان رساند اما او در میان گزینه‌های جانشینی سولشر، کمترین بخت را دارد و مایکل کریک و لوران بلان، بازیکنان سابق یونایتد بالاتر از او قرار دارند. حتی شانس فرانک لمپارد، ادی هاو و رالف هازن هوتل بیشتر از انریکه ارزیابی می‌شود. در بنگاه‌های شرط‌بندی، بخت دشان برای جانشینی سولشر در حد پپ گواردیولا و آرسن ونگر است. مارتینس حتی از او هم شانس کمتری دارد. نام روبرتو مانچینی، مربی سابق منچسترسیتی، حتی مطرح هم نیست.

این مشکل فقط محدود به لیگ برتر نمی‌شود. در اسپانیا، ایتالیا، آلمان و فرانسه، باشگاه‌های برتر تصمیم گرفته‌اند مربیان ملی را به کلی نادیده بگیرند.

از سال ۲۰۱۰ به این سو، تنها سه بار پیش آمده که یک باشگاه بزرگ، یک مربی را از یک تیم ملی به خدمت بگیرد. یونایتد در هفته‌های پیش از جام جهانی ۲۰۱۴ با لوییس فان خال به توافق رسید. فان خال مربی هلند بود و با این تیم به رده سوم جام جهانی دست یافت. خولن لوپتگی تنها چند روز پیش از آغاز جام جهانی ۲۰۱۸ به دلیل توافق با رئال مادرید، از مربیگری اسپانیا اخراج شد. رونالد کومان هم در آگوست سال گذشته از تیم ملی هلند جدا شد و به بارسلونا پیوست اما دوران حضور او در بارسلونا هم خیلی خوب به پیش نرفته است.

لوپتگی پس از تنها ۱۴ بازی در مادرید، از این تیم اخراج شد و فان خال هم پس از دو فصل حضور در یونایتد، از این تیم برکنار شد. او فینال جام حذفی را برد اما آن بازی، آخرین دیدار این مربی روی نیمکت یونایتد بود.

اگر به ۱۰ سال قبل تر بروید، باز هم نمونه‌های بسیار کمی از این پیدا می‌کنید که مربیان ملی به باشگاه‌های بزرگ پیوسته باشند. لوییز فلیپه اسکولاری در جولای ۲۰۰۸ از پرتغال به چلسی پیوست و در فوریه ۲۰۰۹ هم برکنار شد. بارسلونا هم در سال ۲۰۰۲ فان خال را از هلند گرفت و او را تنها پس از شش ماه اخراج کرد.

با وجود کارنامه درخشان بعضی از مربیان ملی مثل دشان، مانچینی، انریکه و مارتینس، وقتی باشگاه‌های بزرگ دنبال مربی می‌گردند، کمتر به آنها توجه می‌کنند. چرا؟

ماجراهای کومان، فان خال (دو بار)، لوپتگی و اسکولاری شاید نشان می‌دهد که چرا باشگاه‌های بزرگ علاقه‌ای به جذب مربیان ملی ندارند.

یک منبع به ESPN گفته که مدیران ورزشی یا مدیران اجرایی باشگاه‌ها، به دو دلیل کلیدی حاضر نیستند یک مربی را از تیم ملی بیاورند؛ اول اینکه آن مربی از بازار نقل و انتقالات دور بوده و دانش زیادی در زمینه ایجنت‌ها و استعدادهای بین‌المللی ندارد و دوم اینکه یک مربی ملی، برخلاف مربیان باشگاهی، فشار روزانه کار را حس نمی‌کند.

هر دو دلیل منطقی هستند اما حالا که مربیان باشگاهی بزرگ، مانند گواردیولا، یورگن کلوپ، توماس توخل، موریسیو پوچتینو و یولیان ناگلزمن شاغل هستند، به نظر می‌رسد که مربیان با استعداد زیادی نداریم که شخصیت و قابلیت هدایت باشگاه‌های بزرگ را داشته باشند.

در میان مربیانی که شغل ندارند، هیچ‌کس نیست که رزومه‌ای در حد دشان، مانچینی، لوییس انریکه و مارتینس داشته باشد. دشان پیش از آن که در سال ۲۰۱۲ مربی فرانسه شود، در هر باشگاهی که بود قهرمانی به دست آورد و حتی موناکو را به فینال لیگ قهرمانان ۲۰۰۴ برد. این مربی ۵۲ ساله در سال ۲۰۱۸ فاتح جام جهانی شد، موافقان و مخالفان خود را دارد. او از نظر انتخاب تیم و تاکتیک فردی سرسخت است اما اینکه توانسته بهترین بازی را از پل پوگبا بگیرد نشان می‌دهد که توانایی کار با استعدادهای بزرگ را دارد.

مانچینی هم با اینتر و منچستر سیتی قهرمانی کسب کرده و با فیورنتینا، لاتزیو و گالاتاسرای هم جام‌های حذفی را برده. رفتار سختگیرانه او در سیتی باعث شد که بازیکنان بزرگ با او دشمن شوند اما موفقیت‌های این باشگاه در یک دهه گذشته را این مربی ۵۶ ساله آغاز کرد و اثر او بر این تیم ماندگار شد.

کار لوییس انریکه در بارسلونا حالا تأثیرگذارتر هم به نظر می‌رسد، چرا که جانشینان او در نوکمپ، مرتباً ناکام شده‌اند. مارتینس هم در سطح باشگاهی ارزش خود را اثبات کرد و سپس بلژیک را تبدیل به یکی از بهترین تیم‌های دنیا کرد.

اگر بارسلونا بخواهد کومان را اخراج کند، لوییس انریکه و مارتینس گزینه‌های جدی این تیم خواهند بود، چرا که با باشگاه و شهر پیوندی نزدیک دارند. مارتینس کاتالان است و در شهر بالاگر، در فاصله ۱۶۰ کیلومتری بارسلونا به دنیا آمده است.

البته ارتباطات احساسی را نباید در نظر گرفت. لوییس انریکه و مارتینس، به همراه دشان و مانچینی، باید با عملکرد شان سنجیده شوند. و باشگاه‌هایی که در تابستان به دنبال مربی جدید خواهند بود، باید توجه ویژه‌ای به آنهایی داشته باشند که در دیدارهای ملی خوش می‌درخشند.

منبع: ESPN

آلمان اولین تیم راه یافته به جام جهانی شد

جادوی فلیک

گزارش
ایان لیدی‌من

همین شش ماه پیش بود که آلمان یکی از فاحش‌ترین تحقیرهای تاریخ خود را تجربه کرد. آنها در ماه مارس در خانه خود برابر مقدونیه شمالی با نتیجه دو بریک شکست خوردند. این سومین بار در تاریخ تیم ملی آلمان بود که آنها در یک دیدار مقدماتی جام جهانی، در خانه می‌باختند. بسیاری می‌گفتند که این نشان می‌دهد که فوتبال آلمان در چه بحرانی به سر می‌برد. آنها در جام جهانی ۲۰۱۸ هم در همان مرحله گروهی حذف شده بودند.

یواخیم لوو، مربی تیم پیش‌تر اعلام کرده بود که پس از یورو ۲۰۲۰ از تیم ملی کناره‌گیری می‌کند. آلمان در آن رقابت‌ها در مرحله یک هشتم نهایی، شکستی قاطع را برابر انگلیس تجربه کرد.

اما حالا طرفداران آلمان نسبت به آینده خوشبین شده‌اند. این تیم همان مقدونیه شمالی را در خانه حریف با نتیجه چهار بر صفر شکست داد. آلمان ۷۴ درصد مالکیت توپ را در اختیار داشت و با گل‌های کای هاورتز، تیمو ورنر (دوگل) و جمال موسیالا به پیروزی رسید. همه گل‌ها در نیمه دوم به ثمر رسیدند. آلمان با این نتیجه اولین تیم راه یافته به جام جهانی شد. هانسی فلیک، مربی آلمان که پس از ۱۸ ماه هدایت بایرن مونیخ به این تیم پیوست، آنها را در پنج بازی اخیر مقدماتی جام جهانی به پنج پیروزی رسانده است. ژرمن‌ها در این دیدارها چهار بار دروازه خود را بسته نگه داشته‌اند و به سبک باواریایی برگشته‌اند؛ بسیاری از موفقیت‌های آلمان مبتنی بر همین سبک بوده است.

شکست مقابل مقدونیه شمالی، که در آن هنگام در رده ۶۵ فیفا قرار داشت، نشان می‌داد که تیم آلمان در اواخر دوران لوو دچار چه مشکلاتی شده است. آلمان در آن بازی هم مالکیت توپ را در اختیار داشت اما حرکت‌های تیمی آنها کند بود. به این ترتیب، مدافعان مقدونیه شمالی کار سختی برای مهار بازیکنان آلمان نداشتند. وقتی آلمان مالکیت توپ را از دست می‌داد، بازیکنان هیچ پرسی برای تصاحب مجدد توپ انجام نمی‌دادند.

فلیک در آلمان همان تاکتیک‌های بایرن را به کار گرفت و توانایی آلمان برای حفظ فشار روی رقبا را افزایش داد. آلمان دیگر در دفاع تعلل نمی‌کند و فلیک تیمی با ضرباهنگ سریع، پیشرو و با پرس بالا ساخته است. این روش از عناصر اصلی هویت فوتبالی بایرن است و بسیاری از بازیکنان کلیدی آلمان هم در بایرن حضور دارند. به این ترتیب تیم ملی دارد بیش از پیش باواریایی می‌شود و به همان سبکی برمی‌گردد که در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ برای آلمان چاره‌ساز بود.

البته فلیک تنها به باشگاه سابقش توجه ندارد. او با توماس توخل از چلسی، پپ گواردیولا از منچستر سیتی و موریسیو پوچتینو از پاری سن‌ژرمن در ارتباط است، چرا که بازیکنان آلمانی در این تیم‌ها حضور دارند.

او از مربیان بوندس لیگا خواسته که ایده‌های تاکتیکی خود را بیان کنند. فرانک کرامر، مربی آرمینیا بیله‌فلد که هیچ بازیکنی در تیم ملی ندارد، گفته که از او خواسته شده پیشنهادهایش را برای تیم ملی مطرح کند.

وقتی فلیک تصمیم گرفت تغییرات تاکتیکی را در تیم ملی آلمان پیاده کند، مانند انتقال لروی سانه از پست بال راست به بال چپ، با ناگلزمان، مربی بایرن صحبت کرد تا مطمئن شود که با هم هماهنگ هستند. سانه مقابل ارمنستان و ایسلند، بسیار نزدیک به خط بازی کرد و در آنجا توانست در نبردهای نفر به نفر پیروز شود، چیزی که در آن متبحر است. سرژ گنابری در سمت راست بیشتر به مرکز می‌آمد و توانست سه گل بزند.

نسل بعدی بازیکنان آلمان هم در راه هستند. جمال موسیالا از بایرن، فلورین ویرتز از لورکوزن و کای هاورتز از چلسی خوش درخشیده‌اند و احتمالاً در نیمه دوم دهه جاری میلادی، ستارگان آلمان خواهند بود.

به این ترتیب، تیم بی‌رمق اواخر دوران لوو حالا با جادوی هانسی فلیک دوباره اوج گرفته و هواداران ژرمن‌ها را به موفقیت در جام جهانی ۲۰۲۲ امیدوار کرده است.

بازگشت به تمرین‌های بارسلونا

پنج خان آگوئرو

سرخیو آگوئرو از دوشنبه به تمرین‌های بارسلونا برگشته و برای اینکه نخستین بازی‌اش را برای این تیم انجام دهد، روزشماری می‌کند. او خیلی مشتاق بود که در تیم باشگاهی هم با لیونل مسی همبازی شود اما ستاره هموطنش به پاریس رفت و خودش هم مصدوم شد. حالا او با پنج چالش روبه‌رو است.

گل‌زنی

کاتالان‌ها از نبود یک تمام‌کننده کاربلد به شدت رنج برده‌اند، چیزی که آگوئرو در تمام این سال‌ها بوده و او می‌تواند کمک کند کمی از بار گل‌زنی از روی دوش ممفیس دپای برداشته شود.

اثبات توانایی

مهاجم آرژانتینی در فصل آخرش در منچسترسیتی با سختی‌های زیادی مواجه شد و در ۲۰ بازی تنها شش گل و یک پاس گل به نامش ثبت شد. آیا در ۳۳ سالگی هنوز هم می‌تواند در زمره مهاجمان طراز اول قرار بگیرد؟ او با رفتن به فوتبال انگلیس به دستاوردهای زیادی رسید و حالا به دنبال موفقیت‌های بیشتری است.

افزایش گزینه‌های کومان

مربی هلندی، آنتوان گریزمان و لیونل مسی را از دست داد در حالی که آنسو فاتی به تازگی از مصدومیت شدیدش برگشته. ممفیس دپای و لوک دیونگ در خط حمله بازی کرده‌اند اما آگوئرو می‌تواند به کومان گزینه‌ها و استراتژی‌های جدید بدهد.

بازگشت به اوج

۴۲۶ گل و ۱۴۱ پاس گل برای ایندپندینته، اتلتیکو مادرید، منچسترسیتی و آرژانتین. این آمار آگوئرو است. آماری فوق‌العاده و بارسلونا امیدوار است که او در نوکمپ دوباره اوج بگیرد و بدرخشد.

فراموش کردن ضربه مسی

این دو دوستان خیلی خوبی هستند و یکی از دلایل آمدن آگوئرو به بارسلونا این بود که کنار لئو بازی کند. این اتفاق نیفتاد. آگوئرو درباره رفتنش به بارسلونا گفت: «به ایجنتم گفتم برایم پول اهمیتی ندارد، اما این انتقال را جور کند.» همه هواداران بارسلونا امیدوارند او حس خوب خودش را دوباره به دست آورد و بازیکنی کلیدی برای کاتالان‌ها شود.

منبع: اسپورت

گزارش
سم بلیتز

نگاهی به همکاری فوق‌العاده امباپه با بنزما

ارتباط فرانسوی

مدال قهرمانی لیگ ملت‌های اروپا در صدر کلکسیون مدال‌های کریم بنزما و کیلیان امباپه در پایان دوران فوتبال‌شان قرار نمی‌گیرد اما فینال یکشنبه شب می‌تواند یک آغاز خاص باشد. دو مهاجم تیم ملی فرانسه گل‌های آبی‌ها را در پیروزی ۲ بریک مقابل اسپانیا به ثمر رساندند، در فینالی که به دنیا یادآوری کرد تیم دیدیه دشان را نمی‌توان ضعیف تلقی کرد با توجه به تورنمنت بدی که در یورو ۲۰۲۰ پشت سر گذاشت.

امباپه و بنزما در اوایل سال ۲۰۲۱ کنار هم قرار گرفتند تا قهرمانی یورو را به دست آورند و اگرچه قهرمانی لیگ ملت‌ها تا حدی از ناراحتی حذف از مرحله یک هشتم نهایی جام ملت‌ها کاسته بود، اما این واقعیت که دوتا از مهاجمان طراز اول اروپا در کنار هم به اوج رسیده‌اند، دستاورد واقعی به حساب می‌آید.

امباپه در فینال یکشنبه شب به بنزما پاس گل تساوی را داد - این چهارمین پاس گل ستاره پاری سن‌ژرمن برای مهاجم رئال مادرید در پنج بازی ملی آخرشان بود - و بعد گل دوم را زد تا اسپانیا را در میلان شکست دهند.

ارتباط واقعی بین این دو بازیکن کاملاً مشهود است و هواداران تیم ملی فرانسه را به وجد آورده چون به خاطر دوری طولانی مدت بنزما از تیم ملی، سال‌ها طول کشیده این دو در کنار هم قرار بگیرند. حالا هم این دو شاید در تیم باشگاهی و ملی نیز همبازی شوند با توجه به اینکه رئال مادرید مشتاقانه خواهان جذب امباپه است که تا پایان فصل با پاریسی‌ها قرارداد دارد و هنوز آن را تمدید نکرده است.

اما همکاری و هماهنگی منجر به گل امباپه با بنزما مایه شگفتی است از آنجا که ستاره پاری سن‌ژرمن به ندرت رابطه خوبی با سانتر فورواردها برقرار می‌کند.

رابطه امباپه با بقیه مهاجمان

برای اینکه درستی و عمق این رابطه به خوبی مشخص شود، باید یادآوری شود امباپه در ۳۹ مسابقه و ۲۰۲۳ دقیقه بازی برای تیم دشان تنها روی سه گل با الیویه ژیرو همکاری داشته. در واقع امباپه تنها با سه مهاجم رابطه بهتری نسبت به رکوردش با بنزما دارد که در مجموع تنها ۹ بار و ۷۱۷ دقیقه کنارش بوده. این سه نفر عبارتند از ادینسون کاوانی که در ۴۷۶۲ دقیقه بازی ۱۹ همکاری منجر به گل داشته، مائورو ایکاردی با ۱۶ همکاری در ۲۸۰۲ دقیقه بازی و رادامل فالکائو با ۷ همکاری در ۱۵۰۶ دقیقه بازی.

البته از رابطه امباپه با ژیرو نمی‌توان انتظار زیادی داشت. قبل از بازی تدارکاتی یورو ۲۰۲۰ برابر بلغارستان، ژیرو در کنفرانس خبری گفت مهاجمان نوک فرانسه می‌توانند رابطه بهتری با هم داشته باشند و همین به درگیری او با امباپه منجر شد.

رابطه امباپه با نیمار نیز که در ۳۶ بازی برای پاری سن‌ژرمن تنها روی چهارگل به بار نشسته، ظاهراً به هم خورده چون اوایل این فصل وقتی مهاجم برزیلی در جریان برد مقابل مون‌پولیه به امباپه پاس نداد، مهاجم ۲۲ ساله هم‌تیمی‌اش را مورد انتقاد قرار داد.

بنزما

وقتی بنزما قبل از یورو ۲۰۲۰ بعد از پنج سال دوری دوباره به تیم ملی فرانسه فراخوانده شد، به نظر می‌رسید که امباپه می‌دانست همکاری خوبی با مهاجم رئال مادرید خواهد داشت. بعد از اعلام اسامی تیم فرانسه، امباپه در اینستاگرام یک عکس فتوشاپ شده از خودش در کنار بنزما قرار داد و اشاره کرد به اینکه همکاری خوبی بین‌شان شکل می‌گیرد. او نوشت: «من خیلی خوشحالم. همیشه گفته‌ام که می‌خواهم در کنار بهترین بازیکنان باشم. کسانی که از او بهتر باشند، در جهان زیاد نیستند. او کمک بزرگی به ما می‌کند. او ۱۰ سال است که در رئال مادرید بازی می‌کند، با آن فشار انتظارات. دانش و تجربه و از همه مهم‌تر استعداد بالایی دارد. بازیکنان بزرگ با هم هماهنگ می‌شوند. مطمئنم او خیلی سریع منطبق می‌شود.»

بنزما هم به لطف امباپه پاسخ داد و تصویری از خودش و امباپه را در جریان تمرین تیم ملی منتشر کرد و در کپشن نوشت: «پدیده.»

این دو مهاجم فرانسه کمی طول کشید که راه بیفتند اما در صحنه بزرگی خودشان را نشان دادند، در دو بازی پشت سر هم مقابل پرتغال و سوئیس نشانه‌های اولیه از یک همکاری پرفایده و درخشان را بروز دادند. بعد هم در مرحله پایانی لیگ ملت‌های اروپا این همکاری به اوج رسید و امباپه پاس هر دو گل بنزما در نیمه نهایی و فینال به ترتیب برابر بلژیک و اسپانیا را فراهم کرد. هر دو بازیکن در هر دو مسابقه گل زدند و بخشی از این به خاطر کار بنزما بود.

فرانسه ۲ بریک از بلژیک عقب بود که صاحب یک ضربه پنالتی شد. مهاجم رئال مادرید که یک گل زده بود، وظیفه پنالتی زنی را به امباپه سپرد تا بعد از شب کابوس وارش مقابل سوئیس در یورو ۲۰۲۰ و پنالتی از دست رفته‌اش که به حذف فرانسه انجامید، به او خودباوری‌اش را برگرداند. بنزما بعد از بازی به آاس گفت: «می‌خواستم او پنالتی را بزند. می‌خواستم او گل بزند. بعد از اتفاقی که در یورو افتاد، حالا همه چیز خوب شد. واقعاً می‌خواستم او آن گل را بزند.»

رئال مادرید

برخی از بهترین خطوط دفاعی اروپا برای ناکام گذاشتن این دو با سختی‌های بسیاری مواجه شده‌اند اما این همکاری و هماهنگی غیرمحتمل بین این دو که یکی ۲۲ و دیگری ۳۳ سال دارد، شاید یک اتفاق معمول و همیشگی شود. رئال مادرید تمام تابستان به دنبال جذب امباپه بود و پیشنهادهای ۱۶۰ و ۱۸۰ میلیون یورویی ارائه کرد که با پاسخ منفی تیم پاریسی مواجه شد تا رئال و امباپه هر دو ناامید شوند.

اوایل این ماه امباپه در دو مصاحبه تند با رسانه‌های فرانسوی گفت می‌خواسته پاریس را به مقصد مادرید ترک کند چون احساس می‌کرده این گام منطقی بعدی در دوران حرفه‌ای او محسوب می‌شود. امباپه به اکیپ گفت: «چه چیزی می‌تواند من را در پاری سن‌ژرمن نگه دارد؟ ما از توافق خیلی دور هستیم چون می‌خواستم در تابستان بروم. نمی‌خواهم آدم دورویی باشم، انگیزه من مشخص است. باید ببینیم چه می‌شود، آینده‌ام در حال حاضر برایم اولویت ندارد. من بازیکن پاری سن‌ژرمن هستم و اگر قرار بود در تابستان بروم، فقط به رئال مادرید می‌رفتم. قرار شده بمانم و هیچ مشکلی ندارم. چرا می‌خواستم بروم؟ چون فکر می‌کردم اینجا ماجرایم تمام شده. اگر می‌رفتم تنها به رئال مادرید می‌رفتم، جدایی از پاری سن‌ژرمن گام منطقی بعدی بود.»

بنزما هم مثل فلورنتینو پرس، رئیس رئال مادرید و کارلو آنچلوتی، مربی این تیم ورود احتمالی امباپه را تأیید کرد و به اکیپ گفت: «خودش این را گفته. او می‌خواهد جای دیگری برود. او یک روز بازیکن رئال مادرید می‌شود. نمی‌دانم کی اما این اتفاق می‌افتد فقط زمان می‌خواهد.»

همکاری احتمالی بنزما و امباپه در رئال مادرید مایه تقویت لالیگا بعد از چند سال افول است. فوتبال اسپانیا نه تنها فوق ستاره‌هایش، کریستیانو رونالدو و لیونل مسی را از دست داده بلکه همکاری‌های رویایی مانند MSN (مسی، سوارس، نیمار) و BBC (بیل، بنزما، کریستیانو) هم دیگر وجود ندارد. اگر امباپه و بنزما فصل بعد فرم ملی خود را به تیم باشگاهی نیز انتقال دهند، شاید یک همکاری فوق‌العاده دیگر در فوتبال اسپانیا شکل بگیرد.

منبع: دیلی میل

همکاری مهلک بنزما و امباپه، بعد از تیم ملی فرانسه به رئال مادرید هم کشیده خواهد شد؟